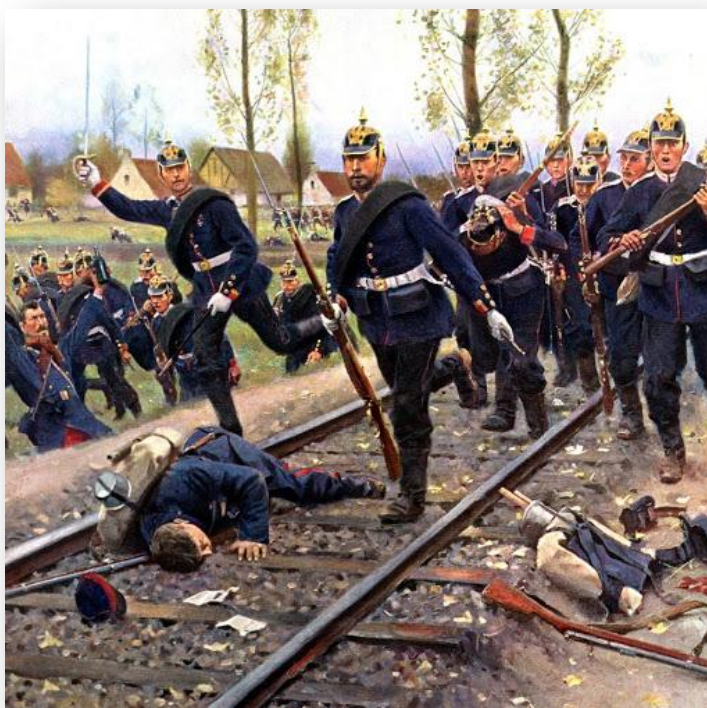


# جنگ فرانسه و پروس

---

برگرفته از سایت تاریخ جهان

[tarikh1.com](http://tarikh1.com)



## فهرست

دلائل و زمينه‌ها.....۳

- جنگ پروس و اتریش
- مسئله وراثت سلطنت اسپانيا

توان نظامی طرفین.....۷

آغاز و پایان جنگ.....۹

- مذاکرات صلح

آثار و نتایج.....۱۳

## دلایل و زمینه‌ها

وضعیت سیاسی در اروپا از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد ، به شدت ملتهب گردید. احساسات ناسیونالیستی که اینک روز به روز در حال افزایش بود ، منجر به شکل‌گیری ملل جدید مانند آلمان و ایتالیا شد. در این میان ، وضعیت آلمانی‌ها کمی متفاوت بود .

پادشاهی پروس که اتحاد و یکپارچگی آلمان بزرگ را رسالت خود می دانست ، به رهبری اسمی امپراتور ویلهلم اول و در اصل ، راهبری اتو فون بیسمارک در دهه ۱۸۶۰ به این هدف ، جامه‌ی عمل پوشاند.



اتو فون بیسمارک

به دنبال آن ، میان پروس و همسایگانش - دانمارک ، فرانسه و اتریش-مجارستان - جنگهای متعددی در گرفت که در نهایت در سال ۱۸۷۱ به تاسیس امپراتوری آلمان (رایش دوم) منجر شد .

جنگ پروس و فرانسه آخرین مرحله از این برنامه‌ی سازمان‌یافته بود. فرانسه در آن ایام به رهبری ناپلئون سوم - برادرزاده‌ی ناپلئون کبیر - بر دیپلماسی اروپا مسلط شده و به هیچ وجه ظهور رقیبی تازه را بر نمی‌تابید.



امپراتور ناپلئون سوم

## جنگ پروس و اتریش

در سال ۱۸۶۶ پروس‌ها در یک لشکرکشی موفقیت‌آمیز توانستند طی هفت هفته بر امپراتوری اتریش غلبه نمایند. این پیروزی به اقتدار اتریش در میان ایالات آلمان خاتمه بخشید. فرانسه که از تشکیل یک دولت متحد آلمانی در همسایگی خود به وحشت افتاده بود، در مقابل پروس موضع خصمانه‌ای اتخاذ کرد.

## مسئله وراثت سلطنت اسپانیا

در هر صورت ، آشکارترین عاملی که به عنوان جرقه‌ی آغاز جنگ پروس و فرانسه از آن یاد می شود ، ماجرای کاندیداتوری شاهزاده پروس - لئوپولد هوهن زولرن - برای بدست گرفتن حکومت اسپانیا بود. در سال ۱۸۶۸ ملکه ایزابلا دوم از سلطنت اسپانیا استعفا کرده و تاج و تخت اسپانیا تا دو سال بعد (۱۸۷۰) فاقد یک پادشاه بود.



### شاهزاده لئوپولد

- در ژوئن ۱۸۷۰ ، اوتو فون بیسمارک - صدراعظم پروس - و خوان پرم - نخست وزیر اسپانیا - توافق کردند که شاهزاده لئوپولد به سلطنت اسپانیا برسد. اعلام این خبر ، فرانسه را به شدت نگران ساخت ؛ اتحاد اسپانیا و آلمان - که یادآور امپراتوری شارلکن در قرن شانزدهم بود - ناپلئون را واداشت که راه حلی برای این مشکل بیابد.

با فشار دیپلماتیک فرانسه ، لئوپولد از نامزدی مقام سلطنت اسپانیا صرف نظر کرد. سفیر فرانسه در آلمان از امپراتور ویلهلم خواست به دولت فرانسه تعهد بدهد که لئوپولد دیگر هیچ گاه به حکومت اسپانیا چشم نداشته باشد.

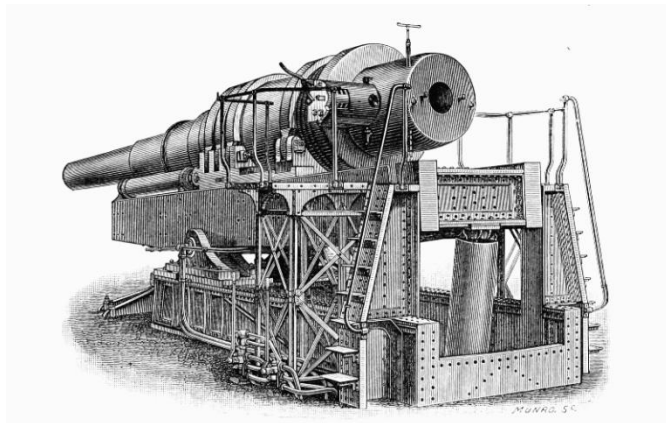
ویلهلم در گفت و گویی که با سفیر فرانسه داشت ، این درخواست تحقیرآمیز را نپذیرفت . بیسمارک که به نسخه‌ای از این گفت و گو دست یافته بود ، تغییراتی در آن لحاظ کرد؛ به نحوی که انتشار این مقاله توهین آمیز به ملت و دولت فرانسه در ۱۴ ژوئیه ۱۸۷۰ ، خشم فرانسویان را برانگیخت .

فرماندهان نظامی فرانسه به امپراتور ناپلئون سوم اطمینان دادند که ارتش فرانسه به راحتی می تواند آلمانی‌ها را شکست دهد. ناپلئون نیاز مبرمی به این پیروزی داشت؛ تنها یک پیروزی سریع می‌توانست او را از بحران سیاسی موجود در کشور - که اعتبار وی را میان فرانسویان کاهش داده بود - رهایی بخشد. در ۱۹ ژوئیه امپراتور فرانسه رسماً به پروس اعلان جنگ داد .

## توان نظامی طرفین

در ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ جنگ پروس و فرانسه - که یکی از مهم ترین محاربات قرن نوزدهم به حساب می آید - آغاز شد. امپراتور ناپلئون سوم در سال ۱۸۶۶ - پس از آنکه خبر پیروزی پروس بر نیروهای اتریشی را شنید - دست به سازماندهی قوای مسلح فرانسه زد. این تغییرات اساسی در ساختار ارتش ، او را مجاب ساخته بود که به لحاظ نظامی بر آلمانی ها برتری دارد.

دو اختراع تازهی نظامی نیز بر اطمینان امپراتور می افزود : نخست تفنگ شاسپو که اینک تمامی نیروهای فرانسوی به آن مجهز شده بودند و هم چنین ، نوعی تفنگ رگبار جدید به نام میترالوز که برتری ارتش فرانسه بر همتایان آلمانی اش را افزایش می داد. ژنرال های فرانسوی نیز با اتکا به غرور ملی خود به پیروزی در این جنگ امیدوار بودند.



توپ سنگین کروپ (مورد استفاده ارتش پروس)

در سوی دیگر میدان ، بیسمارک جنگ با فرانسه را فرصتی مناسب دانست که از این طریق می توانست ایالات جنوبی آلمان را با پروس متحد کند و از توان نظامی آنها علیه فرانسه بهره برد.

ایالات جنوبی آلمان دعوت بیسمارک را اجابت کرده و در جنگ میهنی علیه فرانسه به او پیوستند. برتری آلمانی‌ها به لحاظ نفرات بود؛ در حالی که فرانسویان تنها ۴۰۰ هزار سرباز آماده‌ی جنگ داشتند، آلمانی‌ها با احتساب نیروهای ذخیره توانستند بالغ بر یک میلیون سرباز بسیج کنند. از طرفی دیگر، فرانسه فاقد فرماندهان نظامی لایق و کاردان بود؛ در مقابل، آلمانی‌ها از وجود فرماندهی بهره مند بودند که شانه به شانه‌ی بیسمارک، طرح‌های نظامی اتحاد آلمان را به پیش برده بود: ژنرال هلموت فون مولتکه. ژنرال مولتکه نقشه دقیقی برای هجوم سریع به داخل خاک فرانسه طراحی کرد.



ژنرال هلموت فون مولتکه

سازماندهی قوای آلمان نیز برتری آنها را بر دشمن کامل کرد. آلمانی‌ها توانستند ظرف دو هفته حدود ۳۸۰ هزار سرباز با تجهیزات کامل وارد خاک فرانسه کنند. آنها از خطوط راه آهن نیز برای جابه‌جایی نفرات استفاده نمودند؛ در حالی که بسیج نیروهای فرانسوی بسیار دیر انجام گرفت و تجهیزات ناچیزی در اختیار آنها بود.



## آغاز و پایان جنگ

جنگ روندی سریع به خود گرفت. هر دو کشور نیروهای خط مقدم را به دو جناح چپ و راست تقسیم کردند. جناح راست فرانسه به فرماندهی ژنرال مک ماهون در ۶ اوت ۱۸۷۰ با شکست مقابل آلمانی‌ها به داخل فرانسه عقب نشینی کرد. جناح چپ فرانسویان به رهبری ژنرال مازاین مغلوب ارتش آلمان گردید و به سوی استحکامات شهر متز عقب نشینی کرد.



ژنرال بازاین



ژنرال مک ماهون

امپراتور ناپلئون سوم برای رسیدگی به اوضاع جنگ، شخصاً سرپرستی جناح راست فرانسه را برعهده گرفت. نیروهای تحت فرمان او برای آزادسازی شهر متز از محاصره آلمانی‌ها، به سوی این منطقه به راه افتادند اما خودشان هم به دام ارتش آلمان افتادند. در ۳۱ اوت نیروهای جناح راست فرانسه (شامل ۸۳ هزار سرباز) به همراه امپراتور ناپلئون توسط نیروهای آلمانی محاصره شدند.

اینک سرنوشت جنگ در گرو نبرد پیش رو بود. سرانجام در اول سپتامبر پس از نبردی خونین در ناحیه سدان ، امپراتور ناپلئون و سربازان تحت فرمان او تسلیم شدند .



ناپلئون سوم شخصاً برای تسلیم نزد ویلهلم و بیسمارک رفت .

به دنبال رسیدن اخبار مربوط به جنگ ، انقلابیون و مخالفان ناپلئون در ۴ سپتامبر شورشی سراسری در پاریس به راه انداخته و با اعلام انحلال پادشاهی ، رسماً نظام جمهوری تشکیل دادند. در ۱۹ همان ماه ، آلمانی‌ها پاریس را نیز محاصره کردند .

ژول فاور - وزیر امور خارجه دولت جدید فرانسه - برای مذاکره با آلمانی‌ها پیش قدم شد اما مذاکرات متوقف شد ؛ زیرا، دولت آلمان خواستار تسخیر دو ایالت فرانسوی آلزاس و لورن بود که فرانسویان به شدت با این درخواست مخالفت کردند .



ژول فاور؛ وزیر امور خارجه فرانسه

هنگامی که محاصره پاریس طولانی شد، قحطی جان افراد بسیاری را گرفت. مدافعین پاریس برای مقاومت در برابر آلمانی‌ها، به مردان و زنان نیز اسلحه دادند تا از شهرشان دفاع کنند اما هیچ راهکاری جز تسلیم برای آنها باقی نمانده بود.

ژنرال بازاین که دو ماه در متز مقاومت کرده بود، در ۲۷ اکتبر همراه با ۱۴۰ هزار نیروی تحت فرمان خویش تسلیم آلمانی‌ها شد. پاریس سه ماه بعد (۲۸ ژانویه ۱۸۷۱) دست از مقاومت کشید. بلافاصله پس از تسلیم پاریسی‌ها، آتش‌بس برقرار شد. مقرر شد که انتخابات پارلمانی به سرعت برگزار شود تا تکلیف دولت آینده‌ی فرانسه - برای انعقاد صلحی دائمی با آلمان - مشخص گردد. گروه‌های رادیکال فرانسوی به شدت مخالف قرارداد صلح بودند؛ جریانات خونین مربوط به کمون پاریس که در همین ایام رخ داد، بازتاب همین خواسته‌ها محسوب می‌شد.

## مذاکرات صلح

عاقبت در ۱۰ مه ۱۸۷۱ دولت جمهوری فرانسه باب مذاکرات با امپراتوری آلمان را در شهر فرانکفورت گشود. آلمانی‌ها کلیه ایالت آلتزاس و شهر متز را به همراه نیمی از لورن تصرف کردند. همچنین فرانسه مجبور شد غرامت سنگینی در حدود ۵ میلیون فرانک به دولت آلمان پرداخت کند؛ البته آلمانی‌ها مطابق این قرارداد اجازه داشتند تا زمانی که فرانسه این مبلغ سنگین را پرداخت نماید، نیروهای نظامی خود را در ایالات شمالی فرانسه نگه دارند.



تاجگذاری امپراتور ویلهلم اول در کاخ ورسای

مرحله نهایی یکپارچگی آلمان برای بیسمارک فرا رسید. در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۱ امپراتور ویلهلم اول به کاخ ورسای - محل اقامت پادشاهان فرانسه - وارد شد و در آنجا رسماً به عنوان امپراتور آلمان تاجگذاری کرد؛ نقطه‌ی عطفی در تاریخ ملت آلمان و رویدادی غم‌انگیز برای فرانسویان که اینک غرور ملی آنها به شدت جریحه‌دار شده بود.

## آثار و نتایج

جنگ فرانسه و آلمان (۱۸۷۰-۱۸۷۱ م.) تبعات و نتایج بلندمدتی در پی داشت. این جنگ منجر به پیدایش دو نظام جدید در آلمان و فرانسه شد: ۱- جمهوری سوم فرانسه که از این زمان تا ۱۹۴۰ -- که با حمله نظامی آلمان نازی سرنگون شد - به حیاتش ادامه داد. ۲- امپراتوری آلمان که تا ۱۹۱۸ - یعنی زمانی که پس از شکست در جنگ جهانی اول، سقوط کرد - پابرجا ماند.



نقشه اروپا در سال ۱۸۷۱

پیروزی ملی گرایان آلمانی در این جنگ، الگویی برای ناسیونالیست‌های ایتالیایی شد تا کشورشان را یکپارچه و متحد نمایند. پیروزی آلمان در این جنگ، باعث برتری نیروی زمینی آنان در اروپا شد؛ به نحوی که بعدها کشورهای غیراروپایی که توسعه قوای نظامی خود را در دستور کار قرار دادند، از نیروی زمینی آلمان الگوبرداری نمودند.

از طرفی دیگر الحاق آلتاس و لورن به خاک آلمان ، عقده و کینه‌ای شدید در دل فرانسویان ایجاد کرد. آنها که اینک مصمم به بازپس گیری این دو ایالت بودند ، طی ۴۳ سال بعد (تا ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول آغاز شد) در دسته‌بندی‌های بین‌المللی علیه آلمان شرکت جستند.

مورخان این دوره‌ی ۴۳ ساله (۱۸۷۱-۱۹۱۴ م.) را دوره‌ی صلح بزرگ اروپا می دانند. اروپا تا آن زمان چنین عصر طولانی بدون جنگ را تجربه نکرده بود و بعد از آن نیز دیگر این دوره‌ی شکوفایی فرهنگ و تمدن اروپایی تکرار نشد.

دوره‌ای که مورخان نظامی از آن با عنوان صلح مسلح یاد می کنند ؛ یعنی زمانی که قدرتهای متخاصم در عرصه دیپلماسی اروپا در ظاهر روابط فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر برقرار میکردند اما در خفا بر قدرت نظامی خویش می افزودند تا در صورت بروز جنگی احتمالی ، بر رقبای خود غلبه نمایند. عاملی که بر پتانسیل تهاجمی قدرتهای اروپایی افزود و بعدها از دل این نیروی هولناک، جنگ جهانی اول سر بر آورد.

این مقاله برگرفته از سایت تاریخ جهان می باشد. هرگونه کپی برداری از مطالب تنها با ذکر منبع مجاز است.

[www.tarikh1.com](http://www.tarikh1.com)

سایت تاریخ جهان :

می توانید ما را در شبکه های اجتماعی نیز دنبال کنید :



[www.facebook.com/TarikhTamadon](https://www.facebook.com/TarikhTamadon)



[www.twitter.com/CivilizationsFA](https://www.twitter.com/CivilizationsFA)



[www.plus.google.com/+TarikhTamadonIr](https://www.plus.google.com/+TarikhTamadonIr)